تامللینی فقهی در سن ویلوج روح در جنین با تأکید بر آیات قرآن

فریده ناجیری 
مریم آقایی پژستانت 
محمده روحانی مقدم

چکیده

ولج روح در جنین، سراغز دیدن شدن روح الیه در کالبد نباین انسان است که به لحاظ حقوقی منشاً آثار مهمی می‌باشد. از این رو برداختن به سن ویلوج روح در جنین که موضوع برخی احکام شرعی نیز قرار گرفته است، مداخله در اوقات قوی ضروری به نظر می‌رسد. مشهور قناعت سن ویلوج روح در جنین را یک ماهگی می‌دانند. اما نسبت به پنج ماهگی و شش ماهگی نیز نظریاتی در این خصوص موجود است. تکنولوژی در این مقاله که به شیوه تحلیلی و توصیفی می‌باشد ضمن بررسی ادله همه اوقات، نظریه شیخ می‌رود را بینی ولج روح در شش ماهگی قوی دانسته و با استناد به نکات تفسیری آیات 12-14 سوره مؤمنون در مورد مراحل خلفت رأی شیخ را اقرب به واقع می‌داند.

واژگان کلیدی: ولج روح، خلفت، جنین، فقه امامیه، قرآن.

1. مقدمه و بیان مسئله

خدا، انسان و جهان، سه محور اساسی اندیشه بشری است که در طول تاریخ و در همه جویان پرسش‌های مهم، درباره آنها طرح شده و همیشه تلاش و فکری انسان می‌تواند سوگند کند و یافتن پاسخ‌های درست و مناسب برای پرسش‌های مربوط به آنهاست. (رغبی، 1380) شناخت انسان اهمیت ویژه‌ای دارد و شناسانه قانونی را در رشته‌های علمی مختلف به خود مشغول ساخته است. در آموزه‌های ادیان آسمانی به ظهور اسلام، خدا از خدا، انسانه اساسی است که محور به شمار آنها و آفرینش جهان، فرمانده پیامبر و شاهی آسمانی است که برای سرودن به سعادت به نهایت قرارگرفته است. درجه‌بندی قرآن، همه موجودی آفریدی خداوند و هیچ چیز در عرصه خدا قرار ندارد، یا این حال جهان را است که مشترک فنون مانند دارایی یا دارا نکته استند به مختصات اصلی، یکی در بالا (خدا) و دیگری در پایین (انسان) در نظرگرفته. (ایزدی، 1361) از یک جمله مساله که در جویزه‌های مختلف علمی در خصوص انسان مورد بررسی قرار می‌گیرد، مسئله روح است و در بین مسائل مربوط به روح نیز مسئله دیدن روح در جنین از...
فقة و مبان إحقاق إسلامي سال ۱۳، شمارة ۴، رمضان ۱۳۹۸

جملة موضوعات مهم في بحث ديني، نصف جيني، نصف جيني، نصف جيني كم نحو نظرات وديكاكاهي مختلفنا شبه است. دراً زمته،

تذكرني نسيت حضر في مرحلها من منسومان الفلايين، ببركة مبارك ماكن روح ومس شدعك تكران كربان آذان له.

دميتي(تغ) روح درندي باد كرده است. أجاز أن ارتباك كه درته في آذان ولوج روح، تغير.Shodd موضوع برضي احتمال شرعى

دروصوص وأضا فارقونفت الفن. استاً، روز عالية نكتست رطخاً شدو كه فم ولوج روح دورفون، روابى ومتباع ففي

چپست؟ ثانيا چگونه می تان تشخیص داد که ولوج روح تحقیق یافت با یاً رفته بعکس چگونه می تواند، چون مفعوله همراه با روابی می تواند به

عنوان معیار متین و جامع جهت سنجش حقیقت این موضوع بیکار می رود. و از آنجا که به بی پرمارون روح و تنبیه آن مختلف

است و جنگین آیه به این موضوع یاردا تحت، از در این مقاله که به روش تحلیل و توصیفی می باشد، نظارت مفسران و علمای شیعه.

همچنین دیگران ترکه در خصوص زمان دیدن روح در چرخ، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مراجعه به احادیث و روابی

فقه پیرامون این موضوع از جمله مواردی بود که در این مقاله به آن پرداخته شد.

۲. مفاهیم و تعریف

روح در کتاب‌های لغت بیست و به صدر روح شده است و لغتان در معانی روح، بیست و به کاربردها قرآنی و حادیش

توجه نمودهند. مراهقه کتاب‌های لغتی روح در سه معانی عده بهبکار رفته است که هر سه معنا به نوعی با یکدیگر مرتبطت و

تشخیص این معنا به همگی مشترک است. این سه معنا در ذیل آمده است.


در کتاب‌های مخصوص مفردات راگ و مجسم بهرین بیست و به آیات واحدهی که این واژه در آن بکار رفته، نتیجه دارند

معانی متعدد این کلیه اینه شده است. با این نظر در اعتیاد یا تغییر در معنی‌ها بیکار رفته است که هم‌معنی

لحاش نموده است: "روح به معنای میدا حیات است که جاندار به وسیله آن قادر بر احساس و حکمت ارادی می‌شود" (طباطبایی، ۱۳۴۹ ق). در معنی لنغ و ولوج نیز در مفردات آمده است که: "نفخ به معنی دم‌دان باد درجهی ۱" (راکی، اصفهانی، ۱۴۱۹). در لسان العرب نظر در معانی نفخ چنین آمده است: "نفخا به معنی: باه مه‌های به دگر برون کرده، نفخی در نارو نفخ نظر؛ آتش را باه مه‌های به دگر داده" (ابن منصور، ۱۳۷۵) با توجه به نظرات لغیونی‌نوفر نفخ، و نفخ روح، و همان

آریشی روح در مراکز خلفت در چرخ است.

۳. آریشی انسان در قرآن

خلفت انسان از بحث‌های رایح در بین اهل مطالعه می باشد (فتوحی‌ردکانی، ۱۳۹۴، جعفری، ۱۳۹۴؛ محسنی، ۱۳۹۱). درباره

چگونگی آریشی انسان نظرات متقارن و مفصلا وجود دارد. در این میان و عقیده رایح وجداد می‌گردد، که برخی معتقدند که آریشی

انسان مستقل از سایر جانداران است و عده‌ای به نظر نمی‌کنند و تبدیل انسان از جانب موجب‌دانند. قرآن کریم نه برای آدم برده و مادری قائل است و نه اما نکات‌یافته سایر موجودات می‌داند، بلکه خلفت انسان را از طین می داند، نه را ور ور شده (مرایکی، ۱۳۸۳)، بنابراین، فکری در چرخ انسان نظر

۱. «الملک» نمایه‌ای می‌باشد که نه این که نه این که. نحوه فیروز اشاره‌سازه‌ای حوزه و فلوکی بررسی کرده و در یکدیگر

۲. طنز است. در اینجا.

۳. «روح» نمایه‌ای می‌باشد که نه این که نه این که. نحوه فیروز اشاره‌سازه‌ای حوزه و فلوکی بررسی کرده و در یکدیگر

۴. طنز است. در اینجا.
تامینی قباد در سین و میرول روح در جنین با ناکید برآیت قرآن

طین و آفرینش انسان را از گل آغآس کرده‌اند. علامه طبیبیتی فرودآوردند: «در این آیه و بدایا خلق الانسان از طیف مراز انسان، نوع است و نبایر ان کسانی که خلق آنها از گل شروع شده است، نوع انسان است که گردنه آن مبتکر به کسی که از گل به طبیعت تناسلی از پدر و مادر، مانند آدم و زوجهای علیه‌السلام آفرینه شده است» (طبیعیتی، 1390). پس قرآن آفرینش انسان را مستقیم از سایر موجودات دانسته که این آفرینش مراحل مختلف دارد که در این پیوست افرینش نسل انسان در دوران جنینی، به خصوص مرحله نخج روح را مورد تحلیل قرار می‌دهد. مراحل آفرینش نسل انسان در آمده از دور و راه‌های مختلفی بوده که در این دوره انسان شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل و شکل и"
مرحله اه كه جنين وارد مرحله حيات انساني مي شود، حسن ووبرن كيتا مي كند و به جينش در مي آيد كه در روايات اسلامي ازآن تعبير به مرحله "نفح روح" (دميد روح در كالبد) شده است. (مكارم شيرازي، 1371).

دميدن شدن روح در انسان، نطفه عطبر به سياز قابل توجه خسته است كه به يك يک بار وضع، تعريبد جداي مي دهد. تا به حال آنچه مطرح بود، رشد، فيزيكي موجود درون رحمي يو، سلولي رشد كرده و به تنه كوششي تبديل شده و بالاخره شكل انساني به خود گرفته است. اما آنچه در اينجا اين موجود را "انسان" مي كند، هم اينان انشاء و ابداع خلقت جدید و دمیدن روح است كه با ساير مواد تفاوت اساسی دارد. و با مرحله است كه خلاص بزرگ خود را تحسين مي نماید.

علائم طبیعی این مرحله را به شکل زیری تحلیل می‌کند:

"در این جمله سپاک را از خلق، به این تعبیر داده و فرموده: "نم انشاها خلقی آخرين"، اینکه می‌توان به مهم‌ترین نکات این مرحله از آن نفح روح است، من اینجا: در آنجا مورد بخت چندگونه حرف عطبر به كاربرده شده، اینجا با "نم عطبر شده، اینجا با "نم عطبر" و "نم خلقها"، اینجا با "نم خلقها".("نم خلقها" در روايت که در حوالی "نم خلقها" اينگونه مي نماید، از آنجا که برخى از انسانان كه پي خلقها اينگونه مي نمایند، هم اينان انشاء و ابداع خلق را جدید و دمیدن روح است که با ساير مواد تفاوت اساسی دارد. و با مرحله است که خلاص بزرگ خود را تحسین می‌نماید.

علاقه الوله در فنری این آباد به تنهایي اشاد مي كند كه آنان اینکه مي كند که اينان اينکه ميل به روح در روح مي كنند از آنجا که در حال خلق، به این تعبیر داده و فرموده: "نم انشاها خلقی آخرين"، اینکه می‌توان به مهم‌ترین نکات این مرحله از آن نفح روح است، من اینجا: در آنجا مورد بخت چندگونه حرف عطبر به كاربرده شده، اینجا با "نم عطبر شده، اینجا با "نم عطبر" و "نم خلقها"، اینجا با "نم خلقها".("نم خلقها" در روايت که در حوالی "نم خلقها" اينگونه مي نماید، از آنجا که برخى از انسانان كه پي خلقها اينگونه مي نمایند، هم اينان انشاء و ابداع خلق را جدید و دمیدن روح است که با ساير مواد تفاوت اساسی دارد. و با مرحله است که خلاص بزرگ خود را تحسین می‌نماید.

فوق القول روانى نيست این قسمت از آن را به رشد دندان و مو و اعضاء عقل و فهم تفسیر کرده و بيان می‌کند که مفهوم از خلقا آخرين می‌ست. در تفسیر هرئی با پسر (قطب روانی، 1405، ص 222، مود بر ذكر است که اين تفسیر مورد پوئیست جون قابل از اين مرحله است كه عضا و جوخار جنین تشکيل شده است.

در ادامه چندرهای فیزیکی به اینکه مارد از "انشاها خلقی آخرين" دمیدن روح است، می‌آورند.

در روايت که در کتاب در المصوریسویتی آمده است به خلق ساخت روح اشدار، اینکه حاصل علی (ع) نقل کرد که گفت: "\n
بعد از آن که تنه حجاب ماهش و اعمال شده، خداوند فرشتهای می‌فرستد را در خلق را به خلق در کودم یکدست، و اینجا است که گفت: "نم خلقها خلقی آخرين"، همان دمیدن روح است (سوتی، ج 4، ص 150، 1404، 5 ص 7). در حدث دیگران نیست از امام باقر (ع) روايت شده است که در باره سخت خودن این "انشاها خلقی آخرين" می‌نماید: مراد دمیدن شدن روح در آيندان، باره اینکه مارد از "انشاها خلقی آخرين" دمیدن روح است، می‌آورند.

در آيندان، در باره اينکه مارد از "انشاها خلقی آخرين" دمیدن روح است، می‌آورند. در روايت درباره حضرت آدم (ع) به فیقم که به سایر انسانها نیست صادق است؛ و مورد سوم ظاهر، در مورد نقل انسان است: گرچه احتمال می‌رون آن هم درباره حضرت آدم (ع) باشد و در مورد آخر درباره حضرت مهدی (س) است.

منشور از دمیدن روح، روح و حیات انسانی است به حالات تابی و حیوانی چنانچه که فلسفه‌کا قابل به سه مرحله از حالات شهراند، حالات تابی و حیوانی و انسانی، حالات تابی نیاز به غذا، نطفه و ... دارد، حالات حیوانی علاوه بر امور تابی دارای احساس و

1. "من آن جمعران" (ع) گفت: \"نم انشاها خلقی آخرين" خلق به".
السادة،,

أثناء اجتماعنا مع بعضنا البعض، أجريت حواراً حول موضوع حركات الاختيارية. وجدت أن هناك العديد من الأفكار المثيرة للإلهام. تشمل هذه الأفكار:

1. وظائف هيئة الاختيارات: وظائف هيئة الاختيارات تتضمن توفير اساليب الاختيار المناسبة، والمساعدة في حل المشكلات، وتحقيق الابتكار في مجالات الاختيار.

2. أساليب الاختيار: هناك العديد من الأساليب المتاحة، بما في ذلك الأساليب البدنية، والأساليب النفسية، والأساليب الاجتماعية.

3. التأثير على الاختيار: يتأثر الاختيار بشكل كبير من الأدوار الاجتماعية، وعوامل الأنا، والضغوط الخارجية.

4. استخدام الأدوات: يمكن استخدام الأدوات المختلفة للمساعدة في الاختيار، مثل الأدوات الإلكترونية، والأدوات الورقية.

5. دور الخلفية: دور الخلفية مهم بشكل كبير في الاختيار، حيث يمكن أن يتأثر الاختيار بنفسيه أو بنفسيه أخرى.

6. تأثير الخلفية الاجتماعية: الخلفية الاجتماعية يمكن أن تؤثر بشكل كبير على الاختيار، حيث يمكن أن تكون الفكرة أو الديانة أو الثقافة.

7. الأدلة وال🌿: الأدلة وال🌿 هي جزء أساسي من الاختيار، حيث يمكن استخدامها للمساعدة في تحديد الهدف.

8. استخدام التقنيات: يمكن استخدام التقنيات المتاحة، مثل التقنيات الرقمية، والتكنولوجيا، للمساعدة في الاختيار.

9. أثر المشابهة: يمكن أن يكون المشابه أن يكون له تأثير كبير في الاختيار، حيث يمكن أن يكون مشابهاً لشخص آخر.

10. تأثير الخلافات: الخلافات يمكن أن تؤثر بشكل كبير على الاختيار، حيث يمكن أن تكون الخلافات مصدرًا ل混淆.

في النهاية، يمكننا أن نقول أن الاختيار يتضمن مجموعة من العوامل المختلفة، وهمزة الأسماء المتنوعة. لذلك، من الضروري أن نتعلم كيفية استخدام الأدوات والذراعات المتاحة للمساعدة في الاختيار.
عن عبد الله بن منصور بن زيد أحمد بن عبد منزل هو الصادق المصدوق: "إن أخذكم تجمع خلقه في نطق الله إبراهيم بن باز بطلاً. ثم ما يكون غلقة مثل ذلك، ثم ما يكون مضطهدة مثل ذلك، ثم يبرئ الله إليه الملك، فتغلب في الزوج، خففته حكمة صرغت من شمس أرض فرانكوس، في😡 صنع الله سيدان (أيش روز)معنى شود عقله سيدان مثل أن (٦٠٠٠٠ر) ما في
شود ضعف، بهدازون خدارون. فنرة مسند روس ومسن روح في مسند محلى مسندوم. (قرطبة، ١٣٨٤).

في اين روايت، نديت عيني تظفها خطير، سيدان روز ءامٚيا. فيد مدق لوج (ديدين) روح في ذين، روايته وحادث

وجود ندارد في طه مليل، فنرة نظرة متفنن لف اين ذين مدق: يرخى في ذين فنرة نظرة اين كله وروث زمان، في متفت من اد اين مخدم وروث زمان، في متفت من اد اين مخدم. وبين اين روايت، فنرة نظرة اين كله وروث زمان، في متفت من اد اين مخدم. 

5. تقديم ديده شيخ مفيد از منظر القرآن وروايات (شش وماهي ملاد وروث)

در جهت تايب دیده شیخ مفید، هم به آن قران استندم مین کم که قونعت موجود در آن نظیره شیخ مفید می تقویت مکن و هم روایات در این تاپید نیستن اینم اورونگ. ایگ به آن سود مومون دقت کنیم، پس از بیان مراحل افراش و قبل از مرحله آخره انتشانه خلقه آخره از حرف یش مفید استفاده کود است. حال اگر به کاربرد این ظرف دقت کنیم توجه می شوم که در کلام عربی را از حمله حروف عطف است که با سایر حرف عطف نفتار معانی می شود و بایان فصله باور می رود. چنانکه بیشتر انشادن عنو نحو این حرف برای فاصله و تراخی زمانی بکار میرنده (استرابی، ١٣٧٦). در کاربردیه قرانی تاریخ ذیالینه، یش مفید در فصل دون رخداد کردن ماه ماد شود، که در عمل نحو معنای تراخی زمانی است. فیلیبایین از سود مومون در مرحله آخر گر به جام، ماد فاصله مفید استفاده می نمایم، و معمول بولو جون از حرف ذیالینه، استفاده کرده است. یعنی فصله میان پنجر مرحله از حروف از طرف روح (انو fascist) این فصله از حد متعارف طولانی است، این تو(فیکیر مرحله حرفی عطف تبیین جمع عقله و مضامع و عظم و فیکیر مرحله از حروف) این فصله از حد

معتبر طولانی تر است، یعنی بعد از کمال جنین و قبل از اعیان روح فاصله زمانی وجوه دارد. چنانکه این هشاب این فصله زمانی را به خویش ترشیح کرد و می نویسد: دادی در نظر داشت فصله زمانی در فاصله "یام" آنها بنا بنا به مقام سخن و شرافت متعالی و معطوف علیه متفنن است و واحد زمانی مشخصی در نظر گرفته نمی شود: دادی سخن گفت نهشود فاصله "عطف" متعارف است. فصله مدار زمانی است و در یام فیکیر فیکیر، میان رخداد اول (زور) و رخداد دوم (فیکیر) حروف فاصله کرد، یام رخداد اول (زور) و (زور) و رخداد دوم (فیکیر) حروف فاصله کرد، یام رخداد اول (زور) و (زور) و رخداد دوم (فیکیر)
علاوة على الشيخ مفيد قايين ابن براج نبي زمان مدبره شهر فرح بر جين 6 ماه که شعره، وي برم نظر خوشي به آه 15

سورة اخلاق الستين مزمن. في الآية مذكر خوان نطالع مة فرايماه: "خوشي به خوشنها و وضعتهنها و حمل و فصوله تالنون
شهرهما"؛ مذكره بنا ذكرني او را حمل ية مكن و ذكرني بر زمننا و نعشن و دوران حمل و خيش باز غرفت ان سماه است. بر
طبق نظر قايين ابن براج كمستند به اه مذكره بنا بابة رضوان خوشي في امام حفراء (ع) في

استبان مه كام امام صا (ع) في براي ان روابي مة فرايماه؛...ая باي شيل، اما خفه غسه في غنه (از عمر جن) غمشت، حياته في دور حلفون خورده و سوارا ديه(کامل) خواعد

بوده(یرحم،1316)، ان روابي في كتبهاي كافي گويني و (نما لبضي الفقه) شيخ صدر نيز مدبره است کليته ان را توسط

صاح به غنه أن ايشنئي في مراث أن اختلاف است. نقل كرده است اما صدر اف آن اعميکي یز بن اباي لايني کي نقل

في كننه و به همين نجت سندر روابي بنابر نقل صدر صحيه است.

در براج روابي بعد پنج ماهگي زمان حلول حيات انساني تعين شده است، امام صا(ع) برداخت ديهي کامل را

پایسته مي دانند كه نجات روز گذشته بيشت كه تبجيي النزليان ان، اين خواعد شد كه پيش از براي پائو نجيي، جين روح

نداشته كه نزديكتر به نظر مفيد است. همچنين در ميان روابيه ديه جنين، سعيد بن مسب ( ضمن اميز خروان) روابي دارد که این

مهدی را صبريا نتاني مي نماید (و در امام) في مورد ديه سقط سول مي كن (و ايم) في انتها مي فرايماه؛ و عنصر عقله في روح

فلوطه از علمه ديه کامل، قلته (و) آراني برهم رحیم په بنيا الى حال پيزو کان کيک یا بيغير روح؟ قال: برهم خدایي لحياه الا بشيره کي مه یم. و

ولا اين كيف عدا اباحه ما تحول عن حال بعد حيات في الدم و ما كان ابدا على من بقينه ديه و هو في تلك الحال) و

اين زين خود را (هالسقت) کند. در حالی که ان مشنگي دادرب استخوان و جوانسته كه عيا و جنهر ديه و روح عقل ديه کامل است، بر (و (آيمه رمانده به (دین) کي دين کامل است. سعيد بن مسب (ن مي گويه: به امام) عرض کردن: اين

بهر نشام، حركت جنين از شکم مادر به سبب وجود روح است یا خبر؟ اين فرموده: سبب است، اما روح غيرو از اين

وينشت كه در اصابات مردان و ارحام زبان داشته است و اگر در براج روحي غير از حيات نيايي، در روح هري هركی تخواهد کرد و

در این حال، ديک (پب) د که وسايي و نحاوهد بوده(یرحم،1316،34،37)، با توجه به اندهکه در روابي مشابه، پس از بيانه سه

مرحله نخست كه هر يک چهل روز و در مجموع چهار ماه را شامل مي شود، در این روابيه مرجع دیگري نمي يابند، نا نام خوانش و

سبب مرحله(خلق آخر) كه ديئ كامال داردار شده است. اين روابي به اين مفهوم است مرحله(خلق آخر) باناگيله بعد از بيان

چهارماني اتفاق نامته، پالت جنين عين مرحله دیگري ار نيز طين کن تا مرحله ولوج روح برديد. كه همان نايد مبرر نظر شيخ مفيد

و ديدوند روح در جين 6 ماهگي است.

روابي دیگري که مي یوان را نيز نابيي ب نظر مفيد دانست ان است که در تفسير الادل المنثور آمه است که حضرت

علي(ع) مي فرايماه، بعد از انکه نطفه 4 ماه تمام شد، خداوند فرشيغ زي مي فرسند را توح را از ان ظلمات روح در کودک

بند(۱۵۸،۱۴۴)- این روابيات مستند بر اين يخش از آه کريمه مي باند که مي فرايماه: اين انشاهان خلقن آخرين که

مقصود از آن چنین ديدن روح مي باند.

از ديدهگا پريستزو دوران رشد و تفسير ملولي جنين به سه مرحله تقسيم مي شود:

1 - اين غذائي و به پورت از اين داده، صلاي ب غنه كه كي دين مشهور کي نشري كتاب اين غذايي را به او نيت نيي دان، به دليل

ووجود صلاي يو گانه كه در حال رسفي، او را تقيل نست مبعود و تفسير که مي فرايماه، خوسي (جر،1ص) جه.

2 - در سينه اين روابيات غناب في هيچ داده و وجود درى که در عبانی روح بانانه توثيق شده است، (مبعود) مرجع روح الجين، خوسي (جر،14/33) اما در مشابه روح، اهل بيت من، سپسي روابيات سپسي و نيز عيان نرمگي، خوسي (جر،1383/24) اما در ميدهد روانيه، ثم بعد سن من، روابيات و نيز متعادل و

و منديددي ديده مي شود، كه بري حيي به اصاص روح، از داده او در ميدهد کي برپاری که اهدار (که مبعود) مرجع روح الجين.

55
1. پره آمریکایی (فهنه ۲-۰۹) (مرحله علقو)

با توجه به این که کلیه علقو به معنی خون منعقد شده و جنسنده می‌باشد از نظر پزشکی نیز خون منعقد شده نازه حاوی
سلول‌های فراوان و مختلف خونی است.

2. آمریکایی (فهنه ۲-۰۹) (مرحله علقو)

با توجه به معنی لغوی مفهوم که گوشت جربده شده می‌باشد؛ از نظر علم پزشکی نیز مهم‌ترین مرحله شکل‌گیری اعتیاض جنین
مرحله آمریکایی است که اختلالات کروموژی، نقایص مادرزادی و ختام در این مرحله زمینه‌سازی می‌شود.

3. مرحله جنینی (فهنه ۲-۰۹)

در این مرحله سیب به طرف کامل شدن رشد جنین و از نظر جسمی به صورت انسان کامل درآمدند و قدرت زندگی مستقیم یافتند.

در خارج از مراد (جاهانی: فرهودی،۱۳۸۷، ص ۱۵۵ و ۱۶۶).

با پره‌سیب تکاملی استخوان‌ها جنین می‌تواند که اولین مرکز استخوان‌سازی در فهنه ششم زندگی جنین در استخوان توقف ظاهر می‌شود. استخوان‌نگی در دختران زودتر شروع می‌شود. زودتر هم خانمه می‌بابد. به تدریج مناطق استخوان‌نگی بیشتر نموده به طوری که در فهنه ۱۱ تقریباً تمام استخوان‌ها ساخته می‌شوند و پس از آن رشد استخوان‌ها

آغاز می‌گردد. در فهنه ۱۷ آخرین نقطه استخوانی به نام استخوان کالکتیوم (پاشانی) ساخته می‌شود. به این ترتیب ۱۸ مراکز استخوان‌نگی در صورت توقف ظاهری جنین به نظر شیک می‌شود. البته بعلاوه این، پزشکی نوین این ترتیب رصد شده است که اگر تیم‌های ماه تمام در رصد مادر بلیس از تولد زنده خواجه مادره، هر چند که این امر بعید زندگی شناخته می‌شود که در تابعیت در این مرحله می‌باشد.

مانند تائيي بر اين ادعای که جنین تا قبل از ۶ ماه مواجه وحدای روه انسانی می‌باشد.

باترای این می‌توان گفت که جنین در حکم تکاملی خود به مرحله هیپا نهایی استخوانی می‌رسد. و

در جهار ماه‌گی استعداد و پردرش روح را پیدا می‌کند که اینان روح مراحل قطعی و تکامل را طی می‌کند و در نهایت در ۶ ماه‌گی به عنوان موجودی مجرد در انسان نتجت بی‌پناه می‌کند.

6. مراکز حقوقی مربوط به بی‌سین ولوج روح

از جمله مراکز حقوقی مربوط به بی‌سین ولوج روح در می‌توان به مواردی چون سطح جنین، دیه جنین و حق فاصله ناشی از سطح عمیک جنین اشاره نمود. با توجه به این که سن ولوج روح می‌باشد صدور اکثراً اینجین مورد ذکر می‌باشد. هر کدام به نظر مورد بررسی قرار گیرد.

6.1 سطح جنین: در اصطلال فقهی سطح جنین به معنی انافاد جنین از درون رحم زن استعمال شده است. اصطلال سطح جنین گام‌هایی شدید و شامل جنین دختر و پسر می‌شود (سعودی:۱۴۰۲، ۱۳۸۷). سطح پایان دادن به حاملگی قبل از موعد طبیعی ولادت است (عبدالرحمن: ۱۳۹۳). که می‌باشد آن ابتدای بارداری و انتهای نهایی پایه ولادت می‌باشد. گاهی جنین زندگی به دنیا می‌آید که در این مراحل قابل قابلیت ادامه بقا و چربیان را دارد. این می‌باشد که به معنی موردنی سطح جنین اطلاق می‌شود (عبدالرحمن: ۱۳۸۷) . در اصطرال

پزشکی قابلیت «سطح جنین» به اهل خرک و حالت بارداری از رحم؛ در فرصتی که موجود بودن یافته گارد به زندگی در خارج از رحم نیست؛ اطلاق می‌شود. به دو صورت خام حاملگی قبل از آن که جنین قابلیت زندگی مستقل را یابد که معنی آن ۲۰ هالمه‌گی قابل

صدق می‌باشد (قانعی: ۱۳۷۳). در احوال، فقهی در خصوص مشروطه و عدم مشروطه سطح جنین اتفاق نظری مشاهده نمی‌شود. از

معنی قره‌های آماده با توجه به اینکه سطح مورد آن به جز در مواردی که به عنوان یک حکم ناچیز دانسته می‌شود، از

هر مرحلهای ممنوع و حرام می‌باشد (اعدامدن ادريس:۱۳۷۳). فقهی معاصر نیز همچنین آیت‌الله کلبیگانی سطح جنین را حرام
عثمان بن عفان رضي الله عنه

1. الفتح: هو الفتح الذي أُجرِي في مكة، حيث أُرسل النبي محمد ﷺ إلى مكة للإغاثة عن المسلمين الذين تمكَّنوا فيها من الهجرة إلى المدينة.

2. الأراضي: هو الأرض التي استسلمت لخدمة الإسلام.

3. الحج: هو الحج إلى مكة، وهو رite المُلزم لل穆سلمين البالغين من العمر ثلاث سنوات.

4. الأ-helper: هو الأ Helper الذي يساعد في التصويت وشريعة الإسلام.

5. الفتح: هو الفتح الذي أُجري في مكة، حيث أُرسل النبي محمد ﷺ إلى مكة للإغاثة عن المسلمين الذين تمكَّنوا فيها من الهجرة إلى المدينة.
آثار تغیه‌برداری بر تغیه‌بر نسبت ویولنچل روح

آثار تغیه‌برداری بر تغیه‌بر نسبت ویولنچل روح برای بی‌پتیتی و پریتیتی ویولنچل روح در میان اعضای موسیقی داده شده است. برای بهتر کردن این مطالعه، آزمون‌هایی با جمله‌های مربوط به تعویض ویولنچل روح در زمینه عاطفی، اجرا و دیالوگی طراحی و اجرا گردید. این آزمون‌ها شامل تمرین‌هایی برای تغیه‌برداری نسبت ویولنچل روح در بین عوامل مورد نظر بودند.

7.1 کافری در قتل جنی: در خصوص برداشت کافری قتل جنی فقهی، بین سقط جنی ذکر و مورد ویولنچل روح و عدم ولوج روح تفکیک قابلیت شدید. شهرت دیدار این خصوصیات در مورد کافری قتل جنی از ولوج روح کافری داده نشده است ولی از مورد ولوج روح قتل جنی دیدار داده شده است. علامه (شهیدتاشی: ۱۴۳۰، ق: ص: ۱۴۴۳، ق: ۱۴۵۰) در ادامه روایت این مسئله در این مطالعه به کار می‌رود.
۸ نتیجه گیری
مطالعه گزارشات کتاب آسماانی از مراحل تکامل انسان در رحم، علاوه بر اینکه نمایانگر حکمت و قدرت الهی در خلق این موجود بیضی‌های است، خود شاهد صدقی بر حقیقت بود کتاب آسماانی ما بعنی فرزان نیز می‌باشد. نبید در ساختار خلفیت انسان به ویژه موضوع دیده شدند روح الهی در رو و جابه‌گاه خلیفه الهی، نظر اساسی در هدایت و شکوفایی فکری انسان‌ها ایفا می‌نماید.

نتایج که در این پژوهش حاصل شد، می‌توان این بین کرد:

۱- در آیات زایدی در قران مراحل خلفیت انسان بیش از سایر آیات سوره مومبون صورت گرفته، مراحل آفرینش انسان در مراحل مختلف بیان شده که مرحله آخر را پیش‌نظر مفسران به ظرف روح، بعین دمیدن روح در چنین تعبیر کرده‌اند.

۲- در مورد میانج نفح روح در چنین دیدگاه‌های مختلف ویژه بیان شده است که دیدگاه مورد تایید این پژوهش ولوج روح بعد از پایان چهارمهاگی در چنین تایید می‌باشد.

۳- پایه پژوهشی که در این تحقیق حاصل شد این بود که اگر چه زمان دقیق ولوج روح در چنین در آیات الهی تعیین نشد، ولی به استناد کتاب‌های توحید و قرانی چند نیز در آیات ساده مومونن که نتیجه بقاء، زمانی دارد و تحلیل کرده‌اند، چندین روایت در زمانی نفح روح از مرحله ولوج امام جعفر صادق(ع) و روایت سعید بن مسیب از امام سجاد(ع) می‌باشد که روح بعد از پایان ۵ ماه‌ها در چنین می‌بود، ولوج واقع مرحله (خلق آخر) زدنی در این روایت افلاصل به پایان چهارمهاگی اتفاق نمی‌افتد. بنابراین پایان چپ مرحله دیگری را نیز طی کند تا به مرحله ولوج برود که همان تایید نظر شیخ مفید و دمیدن روح در چنین تایید کرده‌اند.

۴- در مورد میانج نفح روح در چنین دیدگاه‌های مختلف ویژه بیان شده است که دیدگاه مورد تایید این پژوهش ولوج روح بعد از پایان چهارمهاگی در چنین تایید می‌باشد.

۵- پایه پژوهشی که در این تحقیق حاصل شد این بود که اگر چه زمان دقیق ولوج روح در چنین در آیات الهی تعیین نشد، ولی به استناد کتاب‌های توحید و قرانی چند نیز در آیات ساده مومونن که نتیجه بقاء، زمانی دارد و تحلیل کرده‌اند، چندین روایت در زمانی نفح روح از مرحله ولوج امام جعفر صادق(ع) و روایت سعید بن مسیب از امام سجاد(ع) می‌باشد که روح بعد از پایان ۵ ماه‌ها در چنین می‌بود، ولوج واقع مرحله (خلق آخر) زدنی در این روایت افلاصل به پایان چهارمهاگی اتفاق نمی‌افتد. بنابراین پایان چپ مرحله دیگری را نیز طی کند تا به مرحله ولوج برود که همان تایید نظر شیخ مفید و دمیدن روح در چنین تایید کرده‌اند.

۶- در مورد میانج نفح روح در چنین دیدگاه‌های مختلف ویژه بیان شده است که دیدگاه مورد تایید این پژوهش ولوج روح بعد از پایان چهارمهاگی در چنین تایید می‌باشد.
منابع غرbyte
قرآن كريم (1415)، روحاً المعلماً في تفسير القرآن العظيم، لبنان، دار الكتب العلمية.
2- أحسن منصور، محمد، نافذة النطاق والمسائل الطبية، إشترات بارن.
3- ابن هشام، عبد الله بن يوسف (206)، معنى اللبيد (كتاب الأديب)، بروت: دارالفكر.
4- د. إبراهيم، مصطفى الدين (1992)، شرح الرفيق على الكافرون، بيروت: ناشر مسلمون جامعة قاروس.
5- د. إبراهيم، محمد، (1375 هـ)، لبنان العربي، داربريتو.
6- لأبي الحسن (1403 هـ)، مجمع الفائدات والبراهين أرشاد الالهة، ف. دفتر إشترات إسلامي.
7- د. إبراهيم، أحمد (1404 هـ)، المهدب، ف. دفتر إشترات إسلامي.
8- د. إبراهيم، أحمد، (1416 هـ)، سياق وسائل الشيعة، ف. نشر مسجسة آب لبيب (ع) للهاء، إشترات.
9- د. إبراهيم، أحمد، سيد أحمد بن يوسف (1405 هـ)، جامع المدارك في شرح مختصر المناقش، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
10- د. إبراهيم، أحمد بن إبراهيم (1404 هـ)، المراسيم العلمية والاحكام اليومية في فقه الأمام، ف. د. إبراهيم، أحمد (1412 هـ)، مرجع الفنان القرآن، دارالقلم.
11- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، الخلافة الفقهية واصطلاحاً، دمشق، دفتر إشترات دارالفكر.
12- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، الدار المنثور في الفارسي للمؤثر، ف. كتابه المعمومي إض Já ج. 7.
13- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، مرجع الفاطميين، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
14- د. إبراهيم، أحمد، (1411 هـ)، نصوص المعتدلون، تهريج إشترات قرآن، الصغير.
15- د. إبراهيم، أحمد، (1419 هـ)، تفرض الشيعة، ج. 2.
16- د. إبراهيم، أحمد، (1419 هـ)، تفسير الشيعة في التحصيل مسائل الشيعة، ف. مسجسة آب بليب، ج. 2.
17- د. إبراهيم، أحمد، حسن بن محمد (206)، نسب وثواب الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
18- د. إبراهيم، أحمد، سيد أحمد بن يوسف (1405 هـ)، جامع المدارك في شرح مختصر المناقش، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
19- د. إبراهيم، أحمد، حسن بن محمد (1412 هـ)، مرجع الفنان القرآن، دارالقلم.
20- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
21- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
22- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
23- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
24- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
25- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
26- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
27- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
28- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
29- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
30- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
31- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
32- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
33- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
34- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
35- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
36- د. إبراهيم، محمد بن حسن (1387 هـ)، المراجع الفقهية، تهريج الأحكام الشريعة، ف. مسجسة إشترات إسلامي.
Jurisprudential meditations on the age of the soul in the fetus with emphasis on the verses of the Qur’an

Farideh Tajfar, Maryam AghaieBejestani, * Mohammad Rouhani-Moghadam

Abstract: Insoul of spirit into the fetus is the beginning of the inhalation of the divine spirit in the human body, which is legally the source of important works. Therefore, it is necessary to address the age of insoul of spirit into the fetus, that has been the subject of some religious law as well, and the scrutiny of the jurists seems necessary. Famous jurisprudents consider the age of the insoul spirit into the fetus to be 4 months old. But there are opinions about five and six months. And by referring to the interpretative points of verses 12-14 of Surat al-Mumounon on the stages of creation, he brings the Sheikh's vote is close to reality.

Key word: Blowing the Spirit, Creation, embryo Jurisprudence of Imamieh, quran.